

درمان، مداوا و بهبود کامل: سه اصطلاح مشابه اما متمایز

Therapy, Treatment and Cure: Three similar but Distinct Terms

Pouria Heidari	Atena Mansouri	آتنا منصوری	پوریا حیدری
MA in Clinical Psychology	MA in Clinical Psychology	کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی	کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی
Islamic Azad University	Islamic Azad University	دانشگاه آزاد اسلامی	دانشگاه آزاد اسلامی
South Tehran Branch	South Tehran Branch	واحد تهران جنوب	واحد تهران جنوب

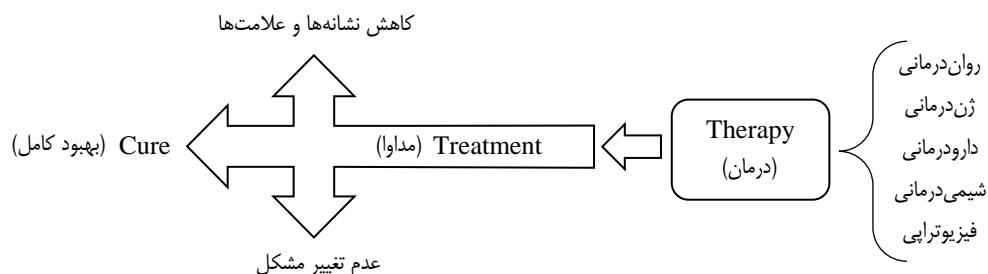
در زبان فارسی، واژه‌های بسیاری برای توصیف سه اصطلاح therapy, treatment, cure وجود دارد. برخی از آن‌ها، فارسی و برخی دیگر، عربی دخیل در فارسی هستند که در واژه‌نامه‌های موجود، هر کدام در توضیح یکدیگر به کار رفته‌اند و وجه تمایز آن‌ها به روشنی مشخص نیست؛ برای مثال: درمان، دوا، مداوا، چاره، علاج، معالجه، شفا، التیام و بهبود. با وجود این، مترجمان ایرانی تقریباً در تمام متون علمی و غیرعلمی، برای ترجمه هر سه اصطلاح therapy, treatment, cure، به استفاده از معادل «درمان» بسنده کرده‌اند. به‌منظور روشن ساختن تمایز بین این اصطلاحات، ابتدا به واژه‌نامه‌های تخصصی و غیرتخصصی نگاهی می‌اندازیم (جدول ۱).

جدول ۱

معانی therapy, treatment و cure در واژه‌نامه‌های روان‌شناسی

therapy	هرگونه treatment اختلال با روش‌هایی به‌جز جراحی (ماتسوموتو، ۲۰۰۹).
treatment	هر فرایندی به‌جز جراحی، با هدف treat کردن یک اختلال یا ناتوانی روانی یا جسمانی (کلمن، ۲۰۰۹).
cure	اقدام‌های مناسب (مانند داروها، جراحی، و روان‌درمانی) برای کاهش وضعیت بیمارگون (وندن‌باس، ۲۰۱۵). بازگرداندن دوباره سلامتی فرد بیمار (واژه‌نامه انگلیسی کمبریج). از بین رفتن بیماری با treatment از راه دارویی یا پزشکی (واژه‌نامه آنلاین انگلیسی معاصر لانگمن).

اصطلاح treatment که در بیشتر مواقع با therapy هم‌معنی پنداشته می‌شود، به آن دسته از اقدامات درمانی اشاره دارد که علامت‌ها^۱ و نشانه‌های^۲ بیماری را کاهش می‌دهند یا از بین رفتن کامل بیماری یعنی cure را در پی دارند. در واقع شرایط بیمارگون می‌تواند از طریق treatment حل شود یا تغییر کند، بدین صورت که treatment یک اختلال یا بیماری با بهره‌گیری از انواع روش‌های درمانی (therapy) همچون درمان‌های پزشکی، توان‌بخشی جسمانی، ورزش، پرتودرمانی و روان‌درمانی امکان‌پذیر است؛ برای مثال، روان‌درمانی از طریق مشاوره با روان‌شناس، روان‌پزشک، یا مشاور در جهت treat کردن اختلال، بیماری یا مسئله مراجع اقدام می‌کند (ناث، ۲۰۰۶). توضیحات ذکر شده در شکل زیر خلاصه شده است.



1. signs
2. symptoms

همان‌طور که در شکل پیداست، انواع درمان‌ها (therapies) با استفاده از روش‌های گوناگون می‌کوشند تا اختلال یا بیماری مورد نظر را مداوا (treat) کنند که موفقیت‌آمیزترین نتیجه، بهبود کامل (cure) اختلال یا بیماری است؛ برای مثال، درمان شناختی رفتاری^۱ به‌منظور treatment اختلال، از روش‌هایی همچون شناسایی افکار خودآیند منفی، آموزش مهارت‌های جدید، پایش خود^۲، هدف‌گذاری و غیره استفاده می‌کند تا نشانه‌ها و علامت‌های اختلال را کاهش دهد و در بهترین حالت، بیمار به‌صورت کامل بهبود یابد (cure)، اگرچه بهبود کامل بسیاری از اختلال‌های روان‌شناختی و بیماری‌های پزشکی، ممکن نیست و تنها می‌توان با مهار نشانه‌ها و علامت‌ها، از شدت یافتن آن‌ها جلوگیری کرد.

به باور پیژورنو (۲۰۱۶)، «بهبود کامل» یک بیماری تنها با شناسایی و مرتفع ساختن علت یا علت‌های ایجاد آن امکان‌پذیر است، در غیر این صورت هرگونه تلاشی صرفاً در جهت کاهش نشانه‌های بیماری است، نه بهبود کامل آن؛ برای مثال، مصرف داروهای ضد افسردگی مانند پروزاک^۳ در بیماران افسرده، به‌ندرت منجر به بهبود کامل (cure) آن‌ها می‌شود، زیرا علت افسردگی، فقدان پروزاک در بدن نیست! اگر فردی به دلیل کمبود ویتامین دی دچار افسردگی شود و برای حل مشکل خود از داروهای ضد افسردگی کمک بگیرد، این داروها صرفاً نشانه‌های بیماری را کاهش می‌دهند و عدم شناسایی و برطرف نشدن علت اصلی بیماری به ایجاد مشکلات بیشتری در فرد می‌انجامد. در این مثال، کاهش ویتامین دی با افزایش مرگومیر، سرطان، پوکی استخوان، حساسیت و بسیاری از مسائل دیگر همراه است که هیچ‌یک با داروی ضد افسردگی درمان‌پذیر نیست. همچنین پیژورنو (۲۰۱۶) معتقد است عوارض جانبی ناشی از مداخله، بازگشت نشانه‌ها در صورت توقف درمان، و گزارش بیمار مبنی بر نارضایتی‌اش از فرایند روان‌درمانی، همه به این معنا است که درمانگر از مسیر رسیدن به «بهبود کامل» بیمار دور شده است.

با توجه به تفاوت در معانی این اصطلاحات، استفاده از معادل «درمان» برای هر سه اصطلاح، چیزی جز چشم‌پوشی از تفاوت موجود میان آن‌ها نیست و مترجمان را در ترجمه برخی متون با مشکل مواجه می‌سازد؛ برای مثال، در متن زیر دو اصطلاح therapy و treatment در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند:

Such theoretical differences obviously affect ideas about whether adult **psychotherapeutic treatment** has a development-promoting function or, alternatively, recruits other types of internal processes to effect change (Gilmore & Meersand, 2014).

بر همین اساس، ضمن پشتیبانی از انتخاب معادل «درمان» برای therapy، برای treatment و cure به‌ترتیب معادل‌های «مداوا» و «بهبود کامل» را پیشنهاد می‌کنیم (جدول ۲). در واژه‌نامه مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی، درمان (therapy) عبارت است از «سلسله‌معالجات نظام‌مندی که برای بهبود بخشیدن به وضعیت مرضی جسمانی یا روانی فرد انجام می‌شود». همچنین بر اساس آنچه پیش‌تر اشاره شد، treatment اقدامی است که با هدف از بین بردن بیماری یا اختلال صورت می‌گیرد؛ درواقع treatment یک اختلال یا بیماری با بهره‌گیری از انواع روش‌های درمانی یعنی «سلسله‌معالجات نظام‌مند» امکان‌پذیر است. واژه «مداوا» به معنی درمان کردن یا دوا کردن، به‌طور ضمنی به چنین اقدام درمانی اشاره دارد؛ نمونه ادبی آن در شعر حافظ پیداست که بیان می‌کند، بهبود یافتن عاشق از طریق مداوای حکیم میسر نیست.

فکر بهبود خود ای دل ز دری دیگر کن / درد عاشق نشود به به مداوای حکیم

1. Cognitive Behavioral Therapy (CBT)
2. self-monitoring
3. prozac

نام تجاری داروی ضد افسردگی «فلوکستین» از طبقه داروهای مهارکننده بازجذب سروتونین (SSRI)

با توجه به توضیحات فوق، استفاده از معادل «مداوا» برای واژه treatment منطقی به نظر می‌رسد. افزون بر آن، واژه «بهبود» در واژه‌نامه فرهنگستان به معنی «فرایند بازبازی سلامتی» است و از آنجاکه cure به بازبازی سلامتی بیمار و از بین رفتن کامل بیماری اشاره دارد، معادل «بهبود کامل» برای این اصطلاح در نظر گرفته شده است.

جدول ۲

معادل‌های پیشنهادی

Therapy	درمان
Treatment	مداوا
Cure	بهبود کامل

در یک جمع‌بندی کلی، این بررسی نشان می‌دهد که سه اصطلاح مطرح‌شده از یکدیگر متمایزند و معانی متفاوتی دارند، با وجود این، امروزه در کتاب‌ها و مقاله‌های انگلیسی‌زبان نیز تمایز چندانی میان این واژگان در نظر گرفته نمی‌شود. همچنین به دلیل مصطلح بودن معادل «درمان» در زبان فارسی برای سه اصطلاح اشاره‌شده و ساختار برخی از جملات، بسیاری از مواقع ناگزیر به استفاده از معادل متداول «درمان» برای هر سه اصطلاح هستیم.

منابع

- Colman, A. M. (Ed.). (2009). *A dictionary of psychology* (3rd ed.). Oxford, UK: Oxford University Press.
- Cure. (n.d.). In *Cambridge English dictionary*. Retrieved from <https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/cure>
- Cure. (n.d.). In *Longman Dictionary of Contemporary English Online (LDOCE)*. Retrieved from <https://www.ldoconline.com/dictionary/cure>
- Gilmore, K. J., & Meersand, P. (2014). *Normal child and adolescent development: A psychodynamic primer*. American Psychiatric Publishing, Inc..
- Matsumoto, D. (Ed.). (2009). *The Cambridge dictionary of psychology*. New York, NY: Cambridge University Press.
- Nuth, J. L. (2006). *Using medical terminology: A practical approach*. Philadelphia: Lippincott Williams & Wilkins.
- Pizzorno, J. (2016). Can we say "Cure"? *Integrative Medicine*, 15(5), 8-12.
- VandenBos, G. R. (Ed.). (2013). *APA dictionary of clinical psychology*. American Psychological Association.
- VandenBos, G. R. (Ed.). (2015). *APA dictionary of psychology* (2nd ed.). American Psychological Association.